



گزارش یک

یاسمین پختی

فرایند کنترل موش‌های پایتخت، چندان ساده هم نیست؛از تله‌گذاری گرفته تا طعمه‌گذاری، تازه اگر موش‌ها به طعمه عادت نکرده باشند. ■■■

بلوار میرداماد حوالی ساعت ۱۰ صبح، به همراه گروه خبر و تصویربردار سوار وانت دو کابین عملیات طرح ضربتی کنترل و مهار جمعیت موش‌های شهری می‌شویم تا از نزدیک شاهد اقداماتی باشیم که در راستای انهدام موش‌های شهری از سوی سازمان پسماند صورت می‌گیرد.

آقای که مدیر کنترل حیوانات شهری است، به همراه مهندس ناظر جلوی وانت دو کابین نشسته‌اند. برای شروع گفت‌وگو از این فرصت استفاده می‌کنم و از آقای گودرزی، مدیر کنترل حیوانات شهری، می‌خواهم تا قبل از رسیدن به محل مورد نظر در مورد مراحل واقداماتی که قرار است برای دفع موش‌های بلوار میرداماد صورت گیرد، توضیح دهد.

به دفترچه‌ای که برنامه عملیات با جزئیات در آن نوشته‌شده‌است، اشاره می‌کنم و می‌گویم: فارغ از اقداماتی که در مناطق از سوی پیمانکاران در حوزه جمع‌آوری موش‌ها صورت می‌گیرد، سازمان پسماند از ابتدای سال طرح‌ی تحت عنوان طرح ضربتی کنترل و مهار جمعیت موش‌های شهری ارائه کرده‌است که طبق آن در یک ماه از هر فصل بر اساس شکایتهایی که در سامانه ۱۳۷ در خصوص آلودگی توسط شهروندان ثبت شده‌است، مناطق رانشناسایی و طرح ضربتی پاک‌سازی موش‌ها را عملیاتی می‌کنیم.

وی به انواع روش‌های فیزیکی و شیمیایی مبارزه با موش‌ها اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: طعمه‌گذاری که در این طرح انجام می‌شود، روشی شیمیایی است که به وسیله سم‌های مورد تأیید وزارت جهاد کشاورزی صورت می‌گیرد، اما از آنجایی‌که این روش آسیب‌های زیست‌محیطی به همراه دارد، بنابراین باید سعی کنیم از روش‌های فیزیکی مانند طعمه‌گذاری و زنده‌گیری استفاده کنیم که آن هم در دسرهای خاص خودش را دارد و مهم‌تر آنکه بازدهی استفاده از روش‌های شیمیایی را هم ندارد.

■ **گریزی زیر کانه به سبک موش‌های تهران**

وقتی در میان گفته‌هایش از شناسایی کلونی یا همان محل زندگی و زیستگاه موش‌ها از سوی تکنیسین‌ها حرف می‌زند یا به هوش بالای موش‌ها و ذکاوتشان برای نخوردن طعمه‌ها اشاره می‌کند، هیچ تصویری از رادار موش‌های کوچک و در نهایت در حد گریزی تیز در خیابان‌های شهر دیده‌بوم، گریزی زیر کانه، در حالی که سر کوچکش را از سوراخ بیوه جوی یا جدول کنار خیابان بیرون می‌آورد، به سمت چپ و راست نگاهی معیق و گذرا می‌کند و با سرعت از جلوی چشم آدم‌ها تیزپا عبور می‌کنند. وانست دو کابین حوالی میدان مادر توقف می‌کند، همگی از وانست پیاده می‌شویم و از عرض خیابان



گزارش ۲

زهرآچیزی

«امیدوارانه»، «رو به پیشرفت» و «مایه افتخار»؛ این ارزیابی پروفیسور امید فرخ‌زاد، استاد دانشکده پزشکی هاروارد آمریکا و جایزه‌ای علمی ایران است. وی که یکی از بزرگ‌دیدگان جایزه مصطفی (ص) است، پیشرفت‌های ایران در حوزه نانو و پزشکی را مایه افتخار می‌داند و می‌گوید: «مشاهداتش از چیزی که در ذهن داشته خیلی جلوتر است.»

هیچنانکه شهاب‌البحری، استاد دانشگاه آموزش سلطان ادریس بنا تأکید بر اینکه کشور ایران توانسته به پیشرفت‌های بزرگی در زمینه هوش مصنوعی دست یابد، افزود: «آینده خوبی را برای ایران در حوزه هوش مصنوعی پیش‌بینی می‌کنم.»

■ ■ ■ پنجمین آیین اعطای جایزه مصطفی روز دهم مهرماه ۱۴۰۲ در اصفهان برگزار شد. جایزه مصطفی به عنوان یک جایزه دوساله‌به برای تقدیر از دانشمندان مسلمان پیش از این در سال‌های ۱۳۹۴، ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰ در تهران برگزار شده‌است.

فراخوان این دوره از بهمن ۱۴۰۰ شروع شد. نامزدهای جایزه تنها توسط دانشمندان برجسته یا نهادهای علمی معتبر معرفی می‌شوند، بنابراین فراخوان این دوره به ۲۱هزار دانشمند نهاد برجسته علم و فناوری در جهان برای معرفی نامزد توسط بنیاد مصطفی اعلام شد. در این راستا، شناسایی هزار و ۶۱۳ پرونده علمی در حوزه‌های تخصصی جایزه از ۱۱۰ کشور انجام شد و مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت جمع‌بندی نامزدهای برتر توسط کار گروه علمی جایزه انجام شد و پنج برگزیده شامل سه برگزیده مقیم و دو برگزیده غیرمقیم انتخاب شدند. نکته قابل تأمل اما واکنش برگزیدگان این جشنواره علمی به پیشرفت‌های علمی کشورمان در حوزه‌های گوناگون بود که وضعیت علمی ایران را «پیشرفت‌های امیدوارانه، رو به رشد، حتی فراتر از انتظار» توصیف کرد.

■ **پیشرفت‌هایی فراتر از تصور**

امید فرخ‌زاد، دانشمند برگزیده این جشنواره است که ایرانی و مقیم آمریکا و استاد دانشگاه هاروارد است. وی به طور مشخص پیغام توسعه و آزمایش ترکیبی از نانوذرات چند کاربردی برای کار بردهای درمانی و

## جامعه

سرویس اجتماعی ۶۰۰۶۰۲۲۸۵۲۲

گزارش میدانی «جوان» از طرح جمع‌آوری موش‌ها در پایتخت

# دردسرهای موش‌گیری در پایتخت!

**ناظر پروژه جمع‌آوری موش‌ها: با روندی که عده‌ای در پیش گرفته‌اند و به گره‌ها و سگ‌ها غذا می‌دهند، در سال‌های آتی شاهد چالش افزایش کلاغ‌ها و کبوترها هم خواهیم‌بود**



می‌گذریم، منطقه همین جاست! فضای سبز وسط بلوار. نیروهای پیمانکاری سازمان پسماند لباس‌های سرهمی سورمه‌ای به تن دارند که عنوان کنترل و مهار جمعیت موش‌های شهری بارنگ سفید پشت آن نوشته شده‌است. ماسک و دستکش صورت‌ها و دست‌هایشان را پوشانده‌است و کلاه سفیدرنگ نقابدار به سر دارند و مشغول کارند. به محض اینکه پایمان به فضای سبز باز می‌شود، اولین جمله‌ای که می‌شنویم، این است مراقب باشید پایتان را روی موش‌ها نگذارید. نگاهم به زمین سبز زیر پایم معطوف می‌شود. در فاصله‌های کمتر از ۳۰ سانتیمتر موش‌های مرده ریزنقش با چشم‌های مشک‌ی و سیل‌های بلند روی زمین افتاده‌اند.

«خانم مهندس این موش‌ها خیلی باهوشند.» به سمت صدا برمی‌گردم. این جمله را آقای که خودش را پیمانکار پروژه معرفی می‌کند، می‌گوید. با او هم‌کلام می‌شوم. می‌گوید سال‌هاست پیمانکار این حوزه است و اکثر نقاط شهری را که موش‌ها در آن کلونی دارند، می‌شناسد. به موش‌مرده‌هایی که روی زمین افتاده‌اند اشاره و عنوان می‌کند: اینجا موش‌های شهری و فضای سبز هستند که در چمن‌های اطراف جداول و گوشه و کنار جوی‌های بزرگ کلونی دارند که تکنیسین‌ها بر اساس تجربه و بازدیدهای میدانی کلونی‌ها را شناسایی می‌کنند و برای اینکه مطمئن شوند موش‌ها در آن تردد دارند، با پارچه یا کاغذی آنها را می‌بندند. اگر در بازدید مجدد، منافظ همچنان بسته‌باشد، به این معنی است که کلونی غیرفعال است، اما در صورتی که پارچه یا کاغذ از منفذ خارج شده‌باشد، عملیات اجرایی برای انهدام کلونی آغاز می‌شود.



روزنامه جوان | شماره ۶۸۶۲

سرویس اجتماعی

روزنامه جوان | شماره ۶۸۶۲

هم آهک می‌ریزند. سپس جنازه موش‌ها را راهی آزاد کوه می‌کنند تا در سسلول‌های دفع زیاله یا آهک ترکیب شوند. البته به گفته آقای پیمانکار در گذشته موش‌مرده‌ها را به محل پسماندهای بیمارستانی انتقال می‌دادند تا همراه با پسماندهای عفونی به آزاد کوه منتقل شود.

در حالی که به سختی کار نیروهای سورمه‌ای‌پوش دفع موش‌های شهری فکر می‌کنم که اگر سهل‌انگاری صورت گیرد، دچار مسمومیت می‌شوند؛ سعی دارم موش‌مرده‌هایی را که گوشه و کنار جدول و جوی آب افتاده، بشمارم برای اینکه آمار دقیق‌تری از تعداد موش‌هایی که در هر کلونی پس از عملیات جمع‌آوری می‌شود داشته‌باشم. به سراغ ناظر پروژه که بر روند کار نظارت دارد، می‌روم. او به تعداد زاد و ولد هر ۲۵روز یکبار موش‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید، یک جفت موش در طول دو سال ۲۰ میلیون می‌شود!

او همچنین در خصوص تعداد موش‌های جمع‌آوری‌شده در هر عملیات ضربتی عنوان می‌کند: بسته به آلودگی و آبگیر بودن محیط کلونی تعداد لاشه‌های موش بین ۱۰ تا ۲۰ متغیر است که حدود ۲۰ درصد آنها هم در کلونی می‌مانند و می‌میرند. موش‌هایی‌که اینجا می‌بینید شهری هستند و جشریزی دارند، اما موش‌های رت یا تروژی که بومی ایران نیستند و در واقع مهمان ناخوانده کشور و بسیار بزرگ‌تر از اینها هستند. از اروپای شرقی با کشتی و هواپیما آمده‌اند، زاد و ولد کردند و دیگر نمی‌شوند کنترلشان کرد. موش‌های رت با زیادی می‌خورند و حتی بزرگی هم دارند که بدون دم حدود ۳۰ سانتی‌متر قد آنهاست، بعضاً گره هم شکار می‌کنند!

■ **لندسوزی‌هایی که به زاد و ولد موش‌ها کمک می‌کند**

وقتی از او در مورد علت افزایش موش‌ها سال می‌کنم، سری تکان و با تأکید ادامه می‌دهد: «ما ساست که برماست» افزایش موش‌ها، سگ، گربه، کلاغ و کبوتر به دلیل لندسوزی بیهوده ما آدم‌هاست. تا وقتی که شهروندان برای سگ و گربه لندسوزی می‌کنند و در گوشه و کنار خیابان پراشان غذا می‌کنارند زاد و ولد موش‌ها ادامه دارد. باقیمانده غذای سگ و گربه سهم موش‌ها و در پیش‌بوم‌های موش‌ها به محل غذای آتی‌شاهد چالش افزایش کلاغ‌ها و کبوترها هم خواهیم‌بود. تقریباً عملیات دفع موش‌های شهری در آن نقطه از بلوار میرداماد تمام شده‌است. وسایلمان را جمع می‌کنیم که با همسان‌انام خود که کباب‌کاران برگردیم. در حالی که از نیروهای سورمه‌ای‌پوش خداحافظی می‌کنیم، بابت زحمتی که می‌کشند، تشکر می‌کنیم، یکی از آنها با صدای بلند می‌گوید: کارما تمام شد، کار ما همه مراحل جمع‌آوری موش‌ها به صحنه حشرات مودی روی تشنان یا اسپری و آهک ختم نمی‌شود. بعد از اینکه موش‌ها را با انبر داخل کیسه‌های زیاله مشک‌ی می‌اندازند، در محلی که موش‌مرده قرار داشته

روز در هر نقطه از عملیات ادامه دارد.

حضور داشتند، به خوبی توانسته‌اند به حوزه هوش مصنوعی وارد شوند. آنها باورود به عرصه هوش مصنوعی توانسته‌اند مشکلات خود را حل کنند. ترکیب خرد انسانی با هوش مصنوعی لازمه استفاده از فناوری‌های نوین است.»

شهاب‌البحری با بیان اینکه هوش مصنوعی به اغلب شرکت‌ها و مؤسسات وارد شده، اظهار کرد: «شناسایی و رفع نواقص فنی لازمه ورود به عرصه تکنولوژی‌های نوین است.» وی درباره جایگاه هوش مصنوعی در ایران گفت: «کشور ایران توانسته است به پیشرفت‌های بزرگی در زمینه هوش مصنوعی دست یابد. آینده خوبی را برای ایران در حوزه هوش مصنوعی پیش‌بینی می‌کنم.»

■ **همچون جایزه نوبل**

پروفیسور محمد عبدالاحد برگزیده دوره گذشته جایزه مصطفی در ارتباط با برگزاری این رویداد اظهار کرد: «نگاه جایزه مصطفی به محصولات و دستاوردها است و نه به یک عمر تلاش علمی فرد و این کارآرزشمندی است، همانطور که در جایزه نوبل نیز انجام می‌شود.»

شهاب‌البحری، استاد دانشگاه آموزش سلطان ادریس و از مدعوین جایزه مصطفی با بیان اینکه پیشرفت‌های خوبی در عرصه هوش مصنوعی حاصل شده‌است، درباره پیشرفت‌های ایران در حوزه هوش مصنوعی گفت: «آینده خوبی را برای ایران در حوزه هوش مصنوعی پیش‌بینی می‌کنم.»

این استاد دانشگاه با بیان اینکه هوش مصنوعی برای حل مشکلات صنایع کاربرد دارد، افزود: «هنگامی که با این تکنولوژی به طور کامل آشنا شویم، می‌توانیم از این فناوری استفاده بهتری داشته باشیم، و آن را در جایگاه درست و دقیق به کار بگیریم. اگر هوش مصنوعی در جایگاه درست به کار گرفته شود، می‌تواند بسیار اثرگذار باشد.»

وی با اشاره به برگزاری رویداد هوش مصنوعی هم‌زمان با پنجمین دوره اعطای جایزه مصطفی گفت: «برخ‌ی از شرکت‌هایی که در رویداد سرمایه‌گذاری هوش مصنوعی

گزارش «جوان» از توصیف برگزیده‌ها و شرکت‌کنندگان جایزه مصطفی از وضعیت علمی کشور

## علم در ایران امیدوارانه، رو به پیشرفت و مایه افتخار است



پزشکی به منظور رساندن داروهای شیمی درمانی با کمک نانوذرات به سلول‌های سرطانی در بیماران سرطان بوده‌است. وی همچنین در مورد بیماری‌های مرتبط با تصلب شرایین تحقیق و ابزارهای نانویی رساندن دارو موسوم به پهبادهای زیست‌فروپاش (وسیله‌های برای انتقال دارو که از مواد زیستی ساخته‌شده و بعداز استفاده در بدن از بین می‌روند) را طراحی کرده که نوع مشخصی از دارو را به بدن می‌رساند و موجب بهبود بیمار می‌شود. ابزارهای دارو-رسانی در انداز‌های نانویی می‌که می‌توانند نوع مشخصی از مولکول را با خود به ذخیره‌های چربی در شرایین حمل کنند، روشی جدید برای جلوگیری از حمله قلبی است که حدود هشت سال قبل و در سال ۲۰۱۵ فرخ‌زاد به آن دست یافته‌بود.

یکی دیگر از دستاوردهای فرخ‌زاد، طراحی و توسعه نوعی برچسب کلان‌ یا نانوذره‌است که در واقع نوعی ربات‌زیست‌فروپاش کوچک است و برای بیماران دچار حوادث شدید استفاده می‌شود. جراحات‌های ناشی از تصادف‌های شدیدی می‌تواند موجب شکستگی‌های شدید استخوانی شود و بعداز عمل‌های ارتوپدی احتمال عفونت زیادی است. این برچسب‌هایی تواند آنتی‌بیوتیک و دیگر داروها را برای تسریع بهبود استخوان شکسته و زخم به شکلی بهتر و کنترل‌شده‌تر نسبت به رویکرد فعلی، به موضع برسانند و از عفونت و جراحی‌های بعدی به این دلیل جلوگیری کند.

پروفیسور احمد، رئیس دانشکده داروسازی دانشگاه

«جمعیت همدرد» از کشور هند و دکتر هارون خان از دانشگاه عبدالولیدخان پاکستان در رشته داروسازی با رئیس پژوهشکده در راستای اقدامات و دستاوردها و آخرین یافته‌های علمی به بحث و گفت‌وگو پرداختند و سپس از بخش‌های مختلف این پژوهشکده مانند بخش چنین‌شناسی، آزمایشگاه نانو و محل نگهداری انواع حیواناتی که از طریق شبیه‌سازی تکثیر شدند، بازدید کردند.

رئیس دانشکده داروسازی دانشگاه «جمعیت همدرد» با تأکید بر تعاملات بیشتر گفت: «این پژوهشکده در سطح جهانی جزو بهترین‌هاست و مجهزترین آزمایشگاه‌ها را دارند و تکنولوژی‌های مورد استفاده در آن محل در دنیا

حرف اول را می‌زنند و البته جای کار بیشتری دارد.» دکتر هارون خان از دانشگاه عبدالولیدخان پاکستان نیز با اشاره به اینکه این پژوهشکده فضای کوچک و محدودی دارد، اما بسیار کار آمد است، گفت: «از نظر تجهیزات و اقدامات بسیار به‌روز و در سطح جهانی است و نیاز به حمایت دولت و بیش از آن صنعت دارد تا تکنولوژی‌های محققان را به منصفه ظهور برسانند.»

■ **پیش‌بینی آینده‌ای خوب برای هوش مصنوعی در ایران**

شهاب‌البحری، استاد دانشگاه آموزش سلطان ادریس و از مدعوین جایزه مصطفی با بیان اینکه پیشرفت‌های خوبی در عرصه هوش مصنوعی حاصل شده‌است، درباره پیشرفت‌های ایران در حوزه هوش مصنوعی گفت: «آینده خوبی را برای ایران در حوزه هوش مصنوعی پیش‌بینی می‌کنم.»

این استاد دانشگاه با بیان اینکه هوش مصنوعی برای حل مشکلات صنایع کاربرد دارد، افزود: «هنگامی که با این تکنولوژی به طور کامل آشنا شویم، می‌توانیم از این فناوری استفاده بهتری داشته باشیم، و آن را در جایگاه درست و دقیق به کار بگیریم. اگر هوش مصنوعی در جایگاه درست به کار گرفته شود، می‌تواند بسیار

اثرگذار باشد.» وی با اشاره به برگزاری رویداد هوش مصنوعی هم‌زمان با پنجمین دوره اعطای جایزه مصطفی گفت: «برخ‌ی از شرکت‌هایی که در رویداد سرمایه‌گذاری هوش مصنوعی

## مسئولیت اجتماعی

حسین سروقامت

## ۹۵۸

آیا کلمات آدم می‌کشند؟

در یک برنامه زنده تلویزیونی، روانشناسی مقابل مجری شبکه سلامت نشسته‌است. مجری از نامحترم‌ترین مراجع او می‌پرسد: کسی که عاجزش کرده‌باشد... و او از کودکی هفت ساله می‌گوید که مرزهای وقاحت را کیلومترها جا به جا کرده‌است!

پدر و مادرش به روانشناس گفته‌اند که کودک خردسالش بیش از ۳۰ گیگ فیلم مستهجن دیده‌است!

... هر اسان از اینکه کجای کارشان اشتباه بوده‌است؟

روانشناس خودش را کشت تا بعد از سه جلسه مشاوره با کودک همدلی ایجاد کند و بپرسد که چه شد سراغ این فیلم‌های زشت رفتی؟

گفت بی تو می‌گویم، اما به پدر و مادرم نگوا! وقتی آنها دعوا می‌کردند، کلمه‌ای می‌گفتند که من معنای آن را نمی‌فهمیدم. با گوشه‌ی مادرم جست‌وجو کردم و بعد هم شد آنچه نباید بشنود...

بله، دوستان! کلمه‌ها ممکن است آدم بکشند!

## چرا دایکته مؤسسات آموزشی را می‌نویسیم؟!

چاپ کتاب‌های درسی مدارس به همان شکل و هیبت و محتوادر مؤسسات‌های آموزشی و ادار کردن بچه‌ها به خرید این کتاب‌ها از سوی معلمان و با‌دگاری و تمیز نگهداشتن کتاب‌های چاپی وزارت آموزش و پرورش! یکی دیگر از بلایایی است که پول پرستی مؤسسات‌های آموزشی و همان مافیای پنهان بر سر نظام تعلیمی ما می‌آورد.

آموزش و پرورش غیررسمی در سه دهه گذشته چنان قوتی گرفته که عملاً آموزش و پرورش رسمی کشور را بلعیده‌است و حتی اگر به ارقام ارقام دست‌رسی نداشته‌باشیم، با ارقام غیررسمی را هم نادیده بگیریم و صرفاً به دیده‌ها، تجارب و گزارش‌های میدانی اکتفا کنیم، نشانه‌های روشن این فاجعه دیده‌می‌شود.

آیا در این باره تردید داریم که آموزش‌و پرورش رسمی در کشور، مرجع سیاست‌گذاری، تولید و انتشار متون آموزشی و محتوای کتاب‌های درسی است و مطابق با قوانین جاری کشور نمی‌تواند و نباید استقلال خود و مسئولیت‌هایش را در این زمینه به مؤسسات خصوصی تفویض و واگذار کند؟

آیا این انتظار عجیب و غریبی است که مدارس باید با کتاب‌های آموزش و پرورش رسمی کشور اداره شود و این کتاب‌ها برای آموزش دانش‌آموزان ملاک و معیار باشند؟

به عنوان مثال وقتی کتاب ریاضی مقاطع دبستان از سوی آموزش و پرورش چاپ و توزیع می‌شود، این به آن معناست که دانش‌آموز پایتخت‌نشین به عنوان متن مرجع به همان محتوایی دسترسی خواهد داشت که دانش‌آموز سیستان و بلوچستانی.

منشأ پولپرستی هم به رایگان بودن آموزش و پرورش در کشور برمی‌گردد. مطابق قانون اساسی که متأثر از جهت‌گیری‌های کلی کشور است، قرار بر این بوده‌است که استفاده‌های این کشور به خاطر فقر و مشکلات معیشتی از تحصیل خوب باز نمانند، این نگرش آموزش و پرورش کتاب‌های آموزشی خود را با حداقل قیمت در سراسر کشور توزیع می‌کند.

اما کلاه گشادی که امروز بر سر ما رفته، این است که برخی ضرورت‌های بنیادین از جمله آموزش و پرورش مستقل و قدرتمند روی کاغذ و قالب قوانین و بخشنامه‌ها یک صورت و هیبتی دارد، اما در عمل، صورت و هیبت دیگری یافته‌اند.

قرار بود نظام آموزش و پرورش رسمی کشور، اصل باشد و آموزش و پرورش غیررسمی — مؤسسات کشور و انتشارات کتاب‌های کمک‌آموزشی ـ در بهترین حالت به عنوان یک فضای مکمل تقویتی و فرعی با محوریت مشخص، قابل نظارت و به مراتب کوچک‌تر از حجم آموزش رسمی در کنار آموزش و پرورش کشور فعالیت کند، اما امروز با تانسف جای اصل و فرع عوض شده‌است. چه کسی باید از چه کسی مجوز بگیرد؟ ظاهراً او روی کاغذ، آموزش و پرورش غیررسمی از آموزش و پرورش رسمی مجوز می‌گیرد، اما وقتی واکاوی می‌کنیم، نظام آموزشی کشور در حال فروختن روح خود به مؤسساتی است که به آموزش صرفاً از پنجره انتفاع شخصی و چرخش مالی نگاه می‌کنند، بنابراین طبیعی است شأن آموزش به تست و محفوظات فرو گاشته‌شود. از آن سو مؤسسات مذکور از همه چالش‌ها و شفاف‌ها در کشور در جهت رشد خود بهره می‌برند، امروز می‌بینیم آموزش و پرورش غیررسمی، معلمان برتر و خوب را جذب و به نوعی استثمار می‌کند و درنمایه آموزش راز و واکاوی، تفکر چندلایه و قدرت حل مسئله به سمت صوری و تستی کردن محتوای آموزش می‌کشند.

مشاهدات میدانی و گزارش‌های والدین نشان می‌دهد که مؤسسات غیررسمی آموزشی در کشور برای مدارس، معلمان و به تبع آن اولیا و دانش‌آموزان تعیین تکلیف می‌کنند. اگر چه نوع رابطه آنها با هر کدام از این اضلاع می‌تواند متفاوت باشد و منافی در این میان رد و بدل شود، اما در نهایت این وضعیت برای امروز و آینده آموزش و پرورش فاجعه‌بار خواهد بود. امروز برخی از معلمان مدارس کشور با کدام منطبق به والدین دانش‌آموزان می‌گویند بربرید معادل کتاب‌های درسی را از فلان مؤسسه آموزشی بخردید و کتاب‌های خود را یادگیری نگه دارید؟! و این همه در حالی است که انتشارات آن مؤسسه، کتاب خود را عیناً از روی کتاب درسی دانش‌آموزان کپی کرده و فقط فضای بیشتری برای حل مسئله گذاشته‌است، با این تفصیلات آیا نباید این‌مجله سؤال باشد که اساساً فلسفه چاپ و انتشار این نوع کتاب‌ها چیست؟

مؤسسات به اصطلاح آموزشی، معادل دو برابر قیمت کل کتاب‌هایی است که دانش‌آموز از آموزش و پرورش رسمی کشور دریافت کرده‌است؟

امروز در شرایطی که اقتصاد کلان و خرد کشور ما بیش از همیشه به سیاست‌های انضباط مالی نیاز دارد و حواس دستگاه‌های رسمی کشور

باید بر این امر متمرکز باشد که هزینه‌های غیر ضرور زیر لافاه آموزش به خانواده‌ها تحمیل نشود، آموزش و پرورش کشور اجازه می‌دهد که این نوع مؤسسات، گردش مالی چندهزار میلیاردی خود را با دست کردن در جیب خانواده‌ها تأمین و قطعه دیگری از بازل بی عدالتی آموزشی را تکمیل کنند

### خبر کوتاه

■ سخنگوی انجمن صنایع لینی کشور گفت: با دستور رئیس‌جمهور محل تأمین اعتبار توزیع شیر در مدارس کشور تعیین شد و تمام دانش‌آموزان ایول اول تا ششم دوره ابتدایی در مدارس دولتی دو بار در هفته و به تعداد ۳۵ نوبت شیر دریافت خواهند کرد.

■ فرماندار تهران از نظارت بر سرویس‌های مدارس از طریق سامانه پایش ناگان دانش‌آموزی خبر داد.

■ مشاور شهردار تهران در امور بانوان با تأکید بر اینکه امکاتی برای اشتغال زنان دارای معلولیت ایجاد کرده‌ایم و برای مسا زنان دارای معلولیت اولویت دارند، گفت: شهرداری تهران تنها نهادی است که به شکل ویژه امکان کار آفرینی و اشتغال را برای زنان سرپرست خانوار فراهم می‌کند.